**فصل سوّم**

در ذکر بعضی از فروع

**١** - در رساله سؤال و جواب نازل

"سؤال - اگر شخصی در خيال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر بطلاق گردد و ايّام تدارک سفر طول بکشد تا يکسنه آيا از ايّام اصطبار محسوبست و يا آنکه از يوم مفارقت بايد حساب شود و يک سنه صبر نمايد؟

جواب - اصل حساب از يوم مفارقت است ولکن اگر قبل از مسافرت بيکسال مفارقت نمايد و عرف محبّت متضوّع نگردد طلاق واقع و الّا از يوم مسافرت حساب نمايند تا انقضای يکسنه بشروطيکه در کتاب اقدس نازل شده."

**٢** –" سؤال - در مدّت اصطبار هر گاه متضوّع شود رائحه حبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت و گاه ميل و در حالت کراهت سنه بآخر رسد در اينصورت افتراق حاصل است يا نه؟

جواب - در هر حال هر وقت کراهت واقع شود از يوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و بايد سنه بآخر رسد."

**٣** – "سؤال - هر گاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن امتناع نمايد تکليف ضلع چيست؟

جواب - بعد از انقضاء مدت طلاق حاصل ولکن در ابتدا و انتها شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند."

**۴** – "سؤال - در باب طلاق که بايد صبر شود يکسنه اگر رائحه رضا و ميل بوزد از يکطرف و طرف ديگر نوزد چگونه است حکم آن؟

جواب - حکم برضايت طرفين در کتاب اقدس نازل. اگر از هر دو طرف رضايت نباشد اتّفاق واقع نه."

**۵** – "سؤال - اگر در ايّام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آيا ايّام قبل از اقتران از ايّام اصطبار محسوبست و يا آنکه سال را از سر گيرد؟ و آيا بعد از طلاق تربّص لازم است يا نه؟

جواب - اگر در ايّام اصطبار الفت بميان آيد حکم زواج ثابت و بايد بحکم کتاب عمل شود و اگر ايّام اصطبار منتهی شود و بما حکم به اللّه واقع گردد تربّص لازم نه و اقتران مرء يا مرئه در ايّام تربّص حرام است. و اگر کسی مرتکب شود بايد استغفار کند و نوزده مثقال ذهب به بيت العدل جزای عمل برساند ."

۶ –" سؤال - بعد از قرائت آيتين و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جائز است يا نه؟

جواب - بعد از قرائت آيتين و اعطاء مهر قبل از اقتران اگر اراده طلاق نمايد جائز است ايّام اصطبار لازم نه ولکن اخذ مهر از مرئه جائز نه."

**٧** - حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح ملّا يوسفعلی رشتی ميفرمايند قوله العزيز:

"امّا در بحبوحه**[[1]](#footnote-1)** اين سال (مقصود يکسال اصطبار است) اگر دوباره الفت و اجتماع حاصل شد مثل اوّل مدّت ماضيه حکمی ندارد مگر آنکه دوباره قصد طلاق نمايد و بعد از گذشتن يکسال از مفارقت ديگر تربّص تسعة اشهر لازم نه همان يکسنه کافيست."

**٨** - در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و الّتی طلّقت بما ثبت عليها منکر لا نفقة لها ايّام تربّصها کذلک کان نيّر الأمر من افق العدل مشهودا." (بند ۷۰)

و حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح ملّا يوسفعلی رشتی ميفرمايند قوله العزيز:

"و چون ثبوت فعل منکر در حقّ زوجه شود طلاق دهد ديگر مدّت يک سنه صبر لازم نه. فصل قطعی است و نفس ثبوت منکر طلاق است."

**٩** - حضرت وليّ ‏امراللّه جلّ سلطانه در لوح امة اللّه نيّره خانم عشرتی مورّخ ٩ اپريل ١٩۴٧ مطابق اوّل شهر الجلال سنه ١٠۴ ميفرمايند:

"ذکر اثاثيّه و مايملک را نموده بوديد که بعد از انقضاء مدّت اصطبار حکمش چگونه است و اولاد که بحدّ بلوغ رسيده باشند نزد پدر مانند يا مادر؟ فرمودند بنويس آنچه متعلّق بزوجه است و ملک شخصی اوست احدی حقّ تصرّف در آن ندارد و اطفال پس از بلوغ مختارند. تعيين حقوق طرفين راجع بمحفل روحانی است. و اينکه در مدّت سال اصطبار زوجه مکلّف اقامت با زوج در يکمنزل و مکانست يا مختار است در نقطه و شهری ديگر باشد، فرمودند در مدّت اصطبار بودن در يک مکان جائز نه ولی در يکشهر جائز."

1. بحبوحه: ميان وسط [↑](#footnote-ref-1)